

بازنگری در گاه‌نگاری دوره‌ی مفرغ قدیم شرق زاگرس مرکزی مبتنی بر لایه‌نگاری تپه گریران الشتر^۱

مهدی حیدری^۱، عباس مترجم^{II}

شناسه‌ی دیجیتال (DOI): 10.22084/mbs.2019.18562.1901
تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۲/۱۸، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۳/۲۶
(از ص ۶۷ تا ۸۶)

چکیده

عصر مفرغ، یکی از ادوار فرهنگی پیش از تاریخ ایران محسوب می‌گردد. در این رابطه، یکی از مناطق مهم فرهنگی ایران در عصر مفرغ، منطقه‌ی زاگرس مرکزی است. با وجود کاوش‌ها و بررسی‌های باستان‌شناسی متعددی که در این منطقه انجام شده، گاه‌نگاری عصر مفرغ منطقه‌ی زاگرس مرکزی همچنان دارای اشکالات عدیده است. این مشکل به‌ویژه در ناحیه‌ی شرق زاگرس مرکزی و لرستان بیشتر به چشم می‌خورد. در این ناحیه، گاه‌نگاری رایج در تپه گودین از حدود ۵ دهه‌ی پیش تاکنون، مبنای گاه‌نگاری عصر مفرغ منطقه بوده است. کاوشگران، گاه‌نگاری تپه گودین را به‌گونه‌ای تنظیم نموده‌اند که موجب شده خلأ فرهنگی در نیمه‌ی اول هزاره‌ی سوم قبل از میلاد در بخش‌های وسیعی از شرق زاگرس مرکزی شکل بگیرد. دوره‌ی IV گودین هم‌زمان با مفرغ قدیم در نظر گرفته شده که با فرهنگ یانیقی (کورا-ارس) معرفی شده است. با توجه به عدم مشاهده‌ی این دوره در نواحی گسترده‌ای در زاگرس مرکزی، گاه‌نگاری این نواحی دچار مشکل گردیده است. نگارندگان در این پژوهش سعی نموده‌اند با روش تاریخی-تحلیلی، و از طریق تحلیل و تطبیق یافته‌های لایه‌نگاری تپه گریران الشتر، بخشی از پرسش‌های مربوط به گاه‌نگاری شرق زاگرس مرکزی را پاسخ دهند؛ بنابراین، در این پژوهش سعی شده تا به پرسش‌های ذیل پرداخته شود: گاه‌نگاری عصر مفرغ تپه گریران به چه صورتی است؟ و خلأ دوره‌ی مفرغ قدیم در ناحیه‌ی شرق زاگرس را چگونه می‌توان از طریق گاه‌نگاری تپه گریران رفع نمود؟ در این راستا، داده‌های سفالی سه گمانه‌ی پلکانی W.260، W.275a و W.275b مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته و ۴۴ نمونه سفال مربوط به بافت مفرغ قدیم گونه‌شناسی شده‌اند. مطالعات صورت گرفته نشان داد که در دوره‌ی مفرغ قدیم انواعی از سفال مربوط به فازهای III:6 و III:5 و همچنین سفال دو رنگ رواج داشته است؛ بنابراین، در لرستان و شرق زاگرس مرکزی در نیمه‌ی اول هزاره‌ی سوم قبل از میلاد انواعی از سفال‌های منقوش رنگی رواج داشته است.

کلیدواژگان: گاه‌نگاری، مفرغ قدیم، تپه گریران، شرق زاگرس مرکزی، تپه گودین.

I. دانشجوی دکتری باستان‌شناسی دانشگاه بوعلی سینا.
II. دانشیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه بوعلی سینا (نویسنده‌ی مسئول).
motarjem@basu.ac.ir

۱. این مقاله برگرفته از رساله‌ی دکتری نگارنده‌ی اول با عنوان «بازنگری در گاه‌نگاری عصر مفرغ شرق زاگرس مرکزی مبتنی بر لایه‌نگاری تپه گریران الشتر» است.

مقدمه

تا پیش از کاوش‌های علمی تپه گودین کنگاور، تپه گیان نهب‌اند (Contenau & Ghirshman, 1935) به مدت چند دهه اساس گاهنگاری غرب ایران را شکل می‌داده است. به سبب آن‌که کاوش‌های تپه گیان براساس لایه‌نگاری دقیق علمی صورت نگرفته بود، پس از کاوش‌های لایه‌نگاری تپه گودین که مبنای علمی تری داشت، این تپه باستانی به عنوان مرجع گاهنگاری منطقه در عصر مفرغ شناخته شد (Young, 1969). گاهنگاری دوره‌ی مفرغ قدیم تپه گودین که حاصل کاوش‌های دهه‌ی ۱۹۶۰ م. بود، بر نهشت طبقه‌ی IV با مشخصه‌ی مواد فرهنگی نوع یانیقی استوار است. مطالعات و بررسی‌های میدانی فراوان بعدی، نشان داد که گسترش سفال مشخصه‌ی گودین IV فراتر از دشت چمچمال به سمت غرب زاگرس مرکزی و هلیلان نرفته و هرگز وارد دره‌های جنوبی‌تر شرقی زاگرس مرکزی در لرستان نشده است. از این رو، هم‌اکنون شناخت دقیقی از وضعیت دوره‌ی انتقالی از دوره‌ی مس و سنگ به عصر مفرغ و همچنین دوره‌ی قدیم مفرغ در بخش‌های وسیعی از زاگرس مرکزی، خصوصاً لرستان امروزی وجود ندارد. در دوره‌ی مفرغ میانی و جدید که با دوره‌ی نسبتاً طولانی گودین III شناسایی شده، تمام مناطق غربی و جنوبی‌تر زاگرس مرکزی تحت گسترش این فرهنگ قرار گرفته است (Henrickson, 1986). تا چند دهه پس از کاوش‌های تپه گودین، کاوش‌های متعددی که در زاگرس مرکزی صورت گرفته، که جهت تنظیم گاهنگاری محوطه‌ها از شیوه‌ی گاهنگاری گودین پیروی کرده و در اغلب این مطالعات به مسأله‌ی اصلی دوره‌ی قدیم عصر مفرغ به صورت مشخصی پرداخته نشده است. در نواحی جنوبی شرق زاگرس مرکزی و در لرستان امروزی به سبب عدم مشاهده‌ی سفال گودین IV وضعیت مشخصی از نظر گاهنگاری در دوره‌ی قدیم عصر مفرغ وجود ندارد. همین عامل موجب شده ادوار میانی و جدید عصر مفرغ نیز در این نواحی غیرقابل اعتماد باشند. به منظور روشن شدن وضعیت گاهنگاری شرق زاگرس مرکزی و لرستان، نگارندگان در پاییز ۱۳۹۶ کاوش لایه‌نگاری تپه گریران در دشت الشتر را به انجام رساندند. این تپه باستانی یکی از بزرگ‌ترین محوطه‌های شرق زاگرس مرکزی محسوب می‌گردد. بررسی‌های انجام شده در این تپه نیز غنای فرهنگی آن را نشان داده است.

پرسش‌ها و فرضیات پژوهش: در این پژوهش سعی شده تا به پرسش‌های ذیل پرداخته شود؛ گاه‌نگاری عصر مفرغ تپه گریران به چه صورتی است؟ و خلأ مفرغ قدیم در ناحیه‌ی شرق زاگرس چگونه می‌توان از طریق گاه‌نگاری تپه گریران رفع نمود؟ براساس بررسی‌های صورت‌گرفته، به نظر می‌رسد در شرق زاگرس مرکزی در نیمه‌ی اول هزاره‌ی سوم (مفرغ قدیم) انواعی از سفال منقوش فازهای ۶ و ۵ گودین III و همچنین در برخی نواحی سفال‌های چند رنگ و دو رنگ رواج داشته است.

روش پژوهش: نگارندگان در این پژوهش سعی نموده‌اند با روش تاریخی-تحلیلی، با رویکرد میدانی و کتابخانه‌ای و از طریق قیاس و تطبیق یافته‌های لایه‌نگاری تپه گریران الشتر با بهره‌گیری از داده‌های سفالی سه گمانه‌ی پلکانی W.260، W.275a و W.275b مورد بررسی و تحلیل قرار دهند.

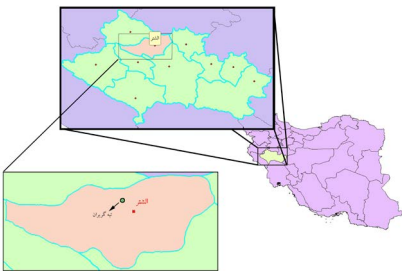
موقعیت جغرافیایی شرق زاگرس مرکزی

رشته‌کوه زاگرس به سه بخش شمالی، مرکزی و جنوبی تقسیم می‌گردد؛ بخش مرکزی سلسله‌جبال زاگرس محدوده‌ی جغرافیایی مابین جلگه‌ی کرمانشاه تا شیراز با رشته‌کوه‌های متعدد موازی با پهنای متفاوت از ۲۰۰ تا ۶۰۰ کیلومتر به نام پاتاق که عموماً خصوصیات آلیی دارند را شامل می‌شود و رودخانه‌ی گاماسیاب آن را به دو بخش غربی و شرقی تقسیم می‌نماید (بدیعی، ۱۳۶۲: ۵۰). بخش غربی که پشتکوه نام دارد، از کردستان تا خوزستان امتداد دارد. کبیرکوه، یکی از ارتفاعات مهم با پهنای زیاد، از طرف جنوب به جلگه‌ی خوزستان ختم می‌شود. این کوه حدفاصل دو بخش شرقی و غربی زاگرس مرکزی را شکل می‌دهد. بخش شرقی زاگرس که پیشکوه نامیده می‌شود، دارای دره‌های عمیق و تنگه‌های کوهستانی متعدد است که بین غالب رشته‌کوه‌های آن به علت وجود دره‌های پرآب و حاصلخیز مرکز تجمع گروه‌های انسانی است (فرجی، ۱۳۶۶: ۱۴).

منطقه‌ی غرب ایران در ادبیات باستان‌شناسی تحت عنوان «زاگرس مرکزی» در دوران پیش‌ازتاریخ شناخته می‌شود؛ اما این محدوده‌ی جغرافیایی قدری با تصویری که جغرافیدانان از منطقه‌ی زاگرس مرکزی دارند، متفاوت است. غالباً زاگرس مرکزی از دید باستان‌شناسان به استان‌های فعلی لرستان، کرمانشاه، ایلام و بخش‌هایی از استان‌های همدان و کردستان، اطلاق می‌گردد (شکل ۱). واژه‌ی زاگرس مرکزی عموماً از سوی باستان‌شناسان حوزه‌ی مطالعاتی پیش‌ازتاریخ ایران و از سوی محققین کانادایی و آمریکایی به کار گرفته شد (شاخ، ۱۳۸۲: ۳۴۲). باستان‌شناسانی نظیر کایلریانگ، مک‌کان و هنریکسون در تبیین این محدوده‌ی جغرافیایی برای زاگرس مرکزی در مطالعات باستان‌شناسی بیشترین نقش را داشتند. مک‌کان در این ارتباط، تپه گیان نه‌اوند را به عنوان مرکز غرب ایران طرح می‌کند (McCown, 1942). مهم‌ترین محوطه‌ی باستانی این محدوده‌ی جغرافیایی تپه گودین کنگاور بوده (Young & Levine, 1974; Henrickson, 1986 & 1987) که در تنظیم گاه‌نگاری منطقه‌ی زاگرس مرکزی به عنوان محوطه‌ی کلیدی مطرح است.

پیشینه‌ی مطالعات باستان‌شناسی عصر مفرغ در شرق زاگرس مرکزی

در شرق زاگرس مرکزی متأسفانه کارهای پژوهشی معدودی با هدف مطالعه‌ی حول مسائل عصر مفرغ صورت گرفته است. غالب بررسی‌ها و کاوش‌های انجام شده در این منطقه ادوار متعددی را مورد بررسی قرار داده‌اند که در ذیل آن‌ها به دوره‌ی مفرغ نیز اشاراتی شده است؛ از جمله مهم‌ترین بررسی‌هایی که در شرق زاگرس مرکزی صورت گرفت، توسط کایلریانگ بود (Young, 1975). در این ارتباط، کاوش تپه گودین در دره‌ی کنگاور توسط یانگ، و ارائه‌ی گاه‌نگاری آن براساس شیوه‌ی لایه‌نگاری، مبنای دقیق‌تری نسبت به گاه‌نگاری تپه گیان که تا پیش از کاوش‌های تپه گودین مرجع گاه‌نگاری منطقه بود (Contenau & Ghirshman, 1935)، ارائه کرد (Young, 1967; Young, 1969; Young & Levine, 1974). کاوش‌های باستان‌شناسی باباجان تپه‌ی نورآباد توسط کلرگاف ابعاد تازه‌ای از فرهنگ‌های عصر مفرغ و هزاره‌ی اول قبل‌ازمیلاد در لرستان شمالی را مشخص نمود (Goff, 1969). گاف علاوه‌بر کاوش در باباجان،



▲ شکل ۱. محدوده‌ی شرق زاگرس مرکزی (نگارندگان، ۱۳۹۷).

بررسی‌های گسترده‌ای در شرق زاگرس انجام داد (Goff, 1971). از دیگر فعالیت‌های مهم باستان‌شناسی در این دوره، کاوش‌های لوئیس لوین در نواحی شمالی لرستان و در تپه سه‌گابی و بررسی‌های وی در کرمانشاه است (Levine, 1972; 1974). در شهرستان ملایر، ژولیند هاول در سال ۱۹۷۷ م. به مطالعه و بررسی محوطه‌های باستانی این منطقه پرداخت (Howell, 1979). مطالعات رابرت هنریکسون در رابطه با گونه‌شناسی سفال تپه گودین و تنظیم گاهنگاری این محوطه و دامنه‌ی گسترش فرهنگ گودین III در زاگرس مرکزی از جمله کارهای مهم پژوهشی بوده که در طی چند دهه‌ی پیش در ارتباط با عصر مفرغ صورت گرفته است (Henrickson, 1986; 1987a). کاوش در تپه نورآباد (مائیل بک) توسط سیدمنصور سیدسجادی در سال ۱۳۶۲ ه.ش. جزو اولین کاوش‌های باستان‌شناسی بود که پس از پیروزی انقلاب اسلامی در لرستان انجام شد (سیدسجادی، ۱۳۷۸). دو فصل بررسی گاراژیان در نورآباد در سال ۱۳۸۰ تعداد ۴۰ محوطه مربوط به عصر مفرغ را نشان داد (گاراژیان، ۱۳۸۴). احمد پرویز در بخش سیلاخور بروجد در سال ۱۳۸۵ (پرویز، ۱۳۸۵) و داوود داوودی در شهرستان الشتر در طی دو فصل به بررسی محوطه‌های باستانی و تاریخی آن پرداخته‌اند (داوودی، ۱۳۸۵؛ ۱۳۸۶). این بررسی‌ها تعداد قابل توجهی از محوطه‌های دارای فرهنگ گودین III نشان داده است. در نواحی جنوبی و شرقی استان کرمانشاه، بررسی و شناسایی محوطه‌های باستانی توسط عباس مترجم و یعقوب محمدی فر انجام یافته است. ایشان در سال ۱۳۸۰ کنگاور و در سال ۱۳۸۱ هرسین (مترجم و محمدی فر، ۱۳۸۰؛ ۱۳۸۱)، در سال ۱۳۸۲ اسدآباد و توپسرکان (محمدی فر و مترجم، ۱۳۸۲ الف؛ ۱۳۸۲ ب) و در سال ۱۳۸۲ صحنه (محمدی فر، ۱۳۸۲) را مورد بررسی‌های باستان‌شناسی خود قرار دادند. کار بررسی شهرستان نهاوند در سال ۱۳۸۴ توسط محمدرضا هرسینی و احمد چایچی امیرخیز (سعیدی هرسینی و چایچی امیرخیز، ۱۳۸۴) و در همین سال توسط نعمت‌الله سراقی (سراقی، ۱۳۸۴) انجام شد. مطالعات بهزاد بلمکی در ارتباط با استقرارگاه‌های پیش از تاریخ نهاوند در این رابطه قابل توجه است (بلمکی، ۱۳۹۲). در ملایر، تپه پری در سال ۱۳۸۴ توسط جواد باباپیری (باباپیری، ۱۳۸۴) و تپه گوراب در سال ۱۳۸۵ توسط علی خاکسار (خاکسار، ۱۳۸۵) کاوش شدند. آزمایشات تاریخ‌گذاری مطلق تپه گوراب در رابطه با سفال گودین IV که توسط خاکسار و همکاران وی صورت گرفته است (خاکسار و همکاران، ۱۳۹۳).

لایه‌نگاری تپه گیران

تپه گیران در ۳ کیلومتری شمال غربی شهر الشتر و در جوار روستایی به همین نام جای گرفته است. تپه گیران با ۳۰۰ متر طول، ۲۵۰ متر عرض، ۲۵ متر ارتفاع و وسعتی معادل ۷۵۰۰ متر مربع، بزرگ‌ترین محوطه‌ی باستانی الشتر محسوب می‌گردد (شکل ۲). تپه گیران در تاریخ ۱۸ تیر ۱۳۸۰ به شماره‌ی ۳۷۵۳ در فهرست آثار ملی ایران ثبت شده است (پازوکی و شادمهر، ۱۳۸۰: ۴۰۸).

با وجود وسعت و غنای مواد فرهنگی گیران، تاکنون آن چنان‌که شایسته است مورد بررسی و کاوش قرار نگرفته است. به استثنای گمانه‌ی کوچکی که استاین در ۱۹۴۰ م. در این تپه حفر کرد (Stein, 1940)، کاوشی در این محوطه انجام نشده است. بهمن کریمی

شکل ۲. موقعیت تپه گریران در شمال دشت
الشر (نگارندگان، ۱۳۹۶).

در کتاب راه‌های باستانی و پایتخت‌های قدیمی غرب ایران قدیمی‌ترین مواد فرهنگی تپه گریران را به هزاره‌ی سوم قبل از میلاد نسبت می‌دهد و معتقد است که ادوار فرهنگی هخامنشی، ساسانی و اسلامی در گریران وجود دارد (کریمی، ۱۳۲۹: ۱۶۱).

علی سجادی براساس تیغه‌های سنگی و سفال‌های گردآوری شده از بررسی‌های سطحی، قدمت گریران را از هزاره‌ی چهارم قبل از میلاد تا دوره‌ی اسلامی می‌داند (سجادی، ۱۳۷۶: ۱۴۶). داوودی نیز براساس تیغه‌های سنگی، قدمت گریران را از دوره‌ی مس و سنگ تشخیص داده و معتقد است ادوار بعد از مس و سنگ تا دوره‌ی اسلامی به استثنای دوره‌ی گودین IV در آن وجود دارد (داوودی، ۱۳۸۵: ۶۵). نهایتاً، نگارنده‌ی اول و همکارانش، در ارتباط با سفال‌های عصر مفرغ این محوطه در ۱۳۹۴ مقاله‌ای پژوهشی منتشر نمود؛ نتایج این گونه‌شناسی نشان دهنده‌ی آن بود که سفال مربوط به تمامی فازهای گودین III در تپه گریران وجود دارد، اما مواد فرهنگی مربوط به گودین IV در گریران وجود ندارد (حیدری و همکاران، ۱۳۹۴).

پس از صدور مجوز کاوش لایه‌نگاری تپه گریران به سرپرستی نگارنده‌ی دوم (عباس مترجم) در تاریخ ۶ آبان ۱۳۹۶ به شماره‌ی ۹۶۲۱۴۱/۳۴/۲۸۲۴ از سوی پژوهشکده‌ی باستان‌شناسی، دستاورد گمانه‌زنی در این محوطه را فراهم نمودند. جهت انجام این منظور، ۳ گمانه‌ی پلکانی در نقاط مختلف تپه گریران ایجاد شد. هدف از انجام این کار، گرفتن حداکثر اطلاعات از نواحی مختلف تپه بود. از سویی دیگر، به سبب حفریات متعدد غیرمجازی که در سطح تپه گریران صورت گرفته، لایه‌های مختلف تپه، دچار بهم ریختگی شده است؛ بنابراین، ایجاد چند گمانه امکان مقایسه و تکمیل داده‌ها را به هیأت کاوش گریران داده است.

با آغاز کاوش در ضلع غربی و از بلندترین نقطه در این بخش تپه، گمانه‌ای به عرض ۲ متر برای این کار مشخص شد که با توجه به زاویه‌ی ۲۶ درجه‌ای که نسبت به جهت شمال داشت، گمانه‌ی W.260 نام‌گذاری شد. شیوه‌ی ثبت مواد نیز براساس لوکوس تنظیم شد. تغییر بافت خاک، رنگ، ترکیبات، سستی و سفتی و... از مهم‌ترین عوامل جهت ثبت لوکوس‌ها بود. دو گمانه‌ی دیگر در ضلع غربی محوطه ایجاد شد که با توجه به موقعیت آن‌ها نسبت به جهت شمال با عنوان W.275a و W.275b نام‌گذاری شدند (شکل ۳). بیشترین حجم خاک برداری در این دو گمانه انجام شد. نام‌گذاری لوکوس‌ها در گمانه‌ی W.260 از عدد ۱۰۰۰، در گمانه‌ی W.275a از عدد ۲۰۰۰ و در گمانه‌ی W.275b از عدد ۳۰۰۰ به بعد صورت گرفته است.

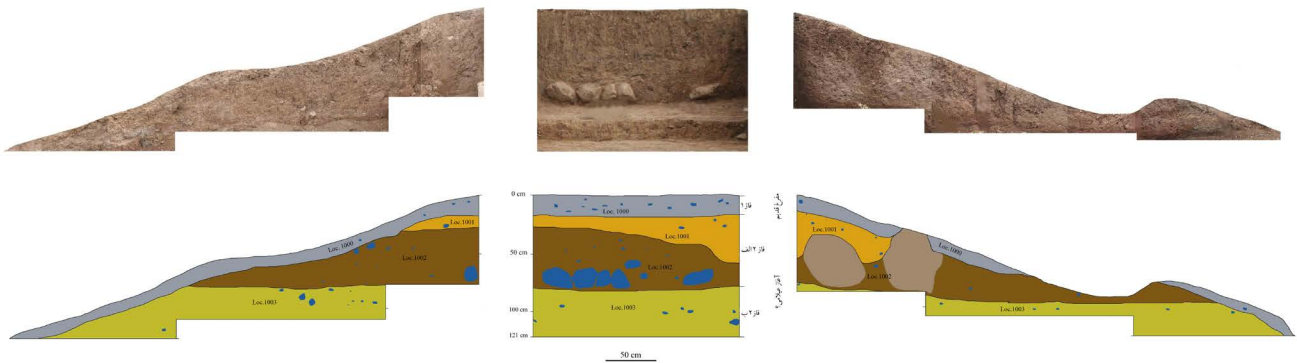
در مجموع، ۴ لوکوس در گمانه‌ی W.260 شناسایی شد. عمیق‌ترین نقطه در این گمانه در لوکوس ۱۰۰۳ نسبت به نقطه‌ی صفر گمانه، ۱۲۱- سانتی متر است. در پایان کاوش



شکل ۳. محل ایجاد گمانه‌های W.260، W.275a و W.275b (نگارندگان، ۱۳۹۷).

در این گمانه، طول مایل گمانه ۵۱۰ سانتی‌متر و طول افقی آن نیز ۴۵۰ سانتی‌متر را دربر گرفت. در سطح گمانه‌ی W.260 پیش از شروع کاوش مواد فرهنگی از ادوار مس‌وسنگ، گودین V و مفرغ شناسایی شد. به‌همین دلیل، این ناحیه از تپه‌گیران مکانی مناسب جهت ایجاد لایه‌نگاری تشخیص داده شد. در لوکوس ۱۰۰۰ بقایای پراکنده‌ای از ادوار مس‌وسنگ، گودین V و مفرغ به‌دست آمد؛ با این حال، بیشتر آثار مربوط به ادوار پیش از دوره‌ی مفرغ بود. با توجه به نوع بافت خاک، این لوکوس جابه‌جا شده و غیرمترکم تشخیص داده شد. ادامه‌ی کاوش در این گمانه در عمق ۴۲- سانتی‌متری بقایایی از سازه‌ای سنگی که به‌صورت آوار بود، تشخیص داده شد. ساختار مشخصی در این سازه‌ی سنگی دیده نشد. به‌سبب تفاوت‌های بافتی و ساختاری، این بقایا به‌عنوان لوکوس ۱۰۰۱ نام‌گذاری شد. در کنار آوار سنگی، بقایای خشتی نیز مشاهده شد؛ مانند لوکوس ۱۰۰۰، در این لوکوس هم مواد سفالی از ادوار مس‌وسنگ، گودین V و مفرغ به‌دست آمد. در زیر این لوکوس و در عمق ۵۲- سانتی‌متری ادامه‌ی توده‌ی سنگی دیده شد. به‌سبب بافت سفت‌تر و رنگ تیره‌تر خاک در این بخش، لوکوس ۱۰۰۲ نام‌گذاری شد؛ مانند لوکوس‌های بالاتر، عمده مواد سفالی مربوط به ادوار مس‌وسنگ و به‌خصوص دوره‌ی آغازیلامی بود. ریزتیغه‌ها و ابزارهای سنگی از دیگر یافته‌های این لوکوس است. جهت جلوگیری از تخریب بقایای سنگی و خشتی که در این لوکوس مشاهده شد. به فاصله‌ی ۱۲۰ سانتی‌متری از دیواره‌ی شرقی گمانه‌ی W.260، برشی جهت پله در گمانه ایجاد شد. بدین ترتیب، با ادامه‌ی کاوش در این گمانه و در عمق ۸۶- سانتی‌متری لوکوس ۱۰۰۳ شناسایی شد. رنگ خاک در این لوکوس نسبت به لوکوس ۱۰۰۲ روشن‌تر بوده و بافت خاک مترکم‌تر است. بافت خاک در لوکوس ۱۰۰۳ برجاً تشخیص داده شد. عمده مواد فرهنگی مربوط به ادوار مس‌وسنگ و به‌خصوص دوره‌ی آغازیلامی بود. در میان بقایای فرهنگی این لوکوس، یک نمونه سفال یانیقی نیز به‌دست آمد. به سبب آن‌که در این گمانه بیشتر آثار مربوط به دوره‌ی مس‌وسنگ و به‌خصوص دوره‌ی آغازیلامی بود، ادامه‌ی کار در این گمانه در عمق ۱۲۱- سانتی‌متری متوقف شد. از آنجا که یافته‌های مربوط به دوران پیش از عصر مفرغ در گمانه‌ی W.260 در بالای تپه به‌دست آمد، احتمال یافتن مواد فرهنگی مربوط به عصر مفرغ در این گمانه ضعیف بود (شکل ۴). از سویی دیگر، به دلیل آن‌که تنظیم گاهنگاری عصر مفرغ لرستان از مهم‌ترین اهداف این پروژه بود؛ به‌همین منظور، ادامه‌ی کار لایه‌نگاری تپه‌گیران به ناحیه‌ای دیگر از محوطه منتقل شد.

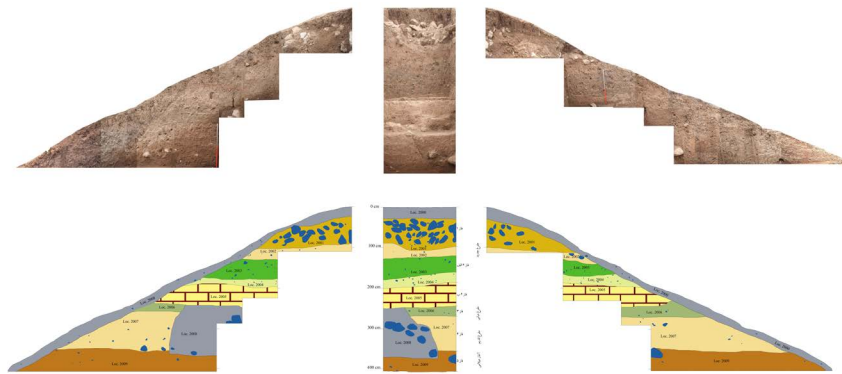
پس از بررسی مجدد سطح محوطه و در فاصله‌ی حدود ۹۰ متری گمانه‌ی W.260 در جهت شمال، گمانه‌ی W.275a جهت ایجاد گمانه‌ی لایه‌نگاری جدید انتخاب شد. در این ناحیه تعداد زیادی سفال مربوط به دوره‌ی گودین III در سطح محوطه گردآوری



▲ شکل ۴. طرح و عکس گمانه‌ی W.260 (نگارندگان، ۱۳۹۷).

شد. عرض این گمانه نیز مانند گمانه‌ی W.260 دو متر انتخاب شد. بافت سطحی گمانه که شامل خاک سست و بهم‌ریخته و با ترکیبات گوناگون از ادوار مختلف بود، لوکوس ۲۰۰۰ نام گرفت. این لوکوس تا عمق ۳۳- سانتی‌متری ادامه یافت. ریشه‌های گیاهی و بقایای پراکنده‌ی مواد فرهنگی، مهم‌ترین ویژگی‌های این لوکوس است. از این لوکوس ۱۴۰ قطعه سفال از ادوار مختلف، ۵ نمونه ابزارسنگی، یک پیکرک گلی منقوش و یک درفش مفرغی به دست آمد. در عمق ۳۳- سانتی‌متری از نقطه‌ی صفر گمانه، آثاری از یک دیوار سنگی در لوکوس ۲۰۰۱ شناسایی شد. به جهت ریزش سنگ‌ها و عدم شناسایی ساختاری مشخص برای آن، این بقایا به عنوان آوار سازی سنگی تشخیص داده شد. خاک این لوکوس به رنگ قهوه‌ای و دارای بافتی سست است. در میان مواد فرهنگی که از این لوکوس به دست آمد، بیش از هر چیز سفال‌های گودین III دیده شد. چند نمونه از سفال‌های دو رنگ از این لوکوس به دست آمد. به سبب وجود آوره‌های سنگی، ادامه‌ی کار در این گمانه در فاصله‌ای حدود ۱۵۰ سانتی‌متری از دیواره‌ی شرقی گمانه به صورت پله‌ای ادامه یافت. در عمق ۱۱۰- سانتی‌متری و درست در زیر بقایای آوار خشتی لوکوس ۲۰۰۱ لوکوس ۲۰۰۲ شناسایی شد. خاک این لوکوس روشن‌تر و متراکم‌تر نسبت به لوکوس ۲۰۰۱ است و لایه‌ها برجا به نظر می‌رسند. تعداد ۴۴ قطعه سفال از ادوار مختلف به دست آمده که عمده مواد سفالی مربوط به دوره‌ی گودین III، به ویژه فاز 2:III است؛ علاوه بر این، ابزارهای سنگی و ریزتیغه‌ها از مهم‌ترین یافته‌ها به شمار می‌آیند. همچنین تعداد زیادی قطعات پراکنده‌ی استخوان نیز به دست آمد. لوکوس ۲۰۰۳ از عمق ۱۲۲- سانتی‌متری گمانه شروع می‌شود و تا عمق ۱۸۵- سانتی‌متری ادامه می‌یابد. رنگ خاک در این لوکوس به رنگ قهوه‌ای و نسبت به لوکوس فوقانی تیره‌تر است. خاک مستحکم‌تر و کمی کوبیده به نظر می‌رسد. اشیاء سفالی مربوط به دوره‌ی گودین III بیشترین مواد فرهنگی این لوکوس را تشکیل می‌دهند. از ارتفاع ۱۸۵- تا ۲۰۰- سانتی‌متری از سطح گمانه‌ی W.275a مربوط به لوکوس ۲۰۰۴ است. بافت این لوکوس متراکم و دارای خاکی به رنگ قهوه‌ای تیره است. بقایای سفال مربوط به دوره‌ی گودین III و ابزارهای سنگی از مهم‌ترین یافته‌های لوکوس ۲۰۰۴ است. یک قطعه‌ی شیء مفرغی که به نظر نوعی تیغه‌ی مفرغی است، از این لوکوس به دست آمد. به جهت این‌که در عمق ۲۰۰- سانتی‌متری آثاری از یک دیوار بزرگ خشتی شناسایی شد، از این نقطه به بعد لوکوس ۲۰۰۵ نام‌گذاری شد. خشت‌ها دارای ابعاد بزرگ ۴۲×۴۲ و ارتفاع ۱۲ سانتی‌متری بودند. نوعی ملاط گلی که به نظر با آهک ترکیب شده، بافت بین خشت‌ها

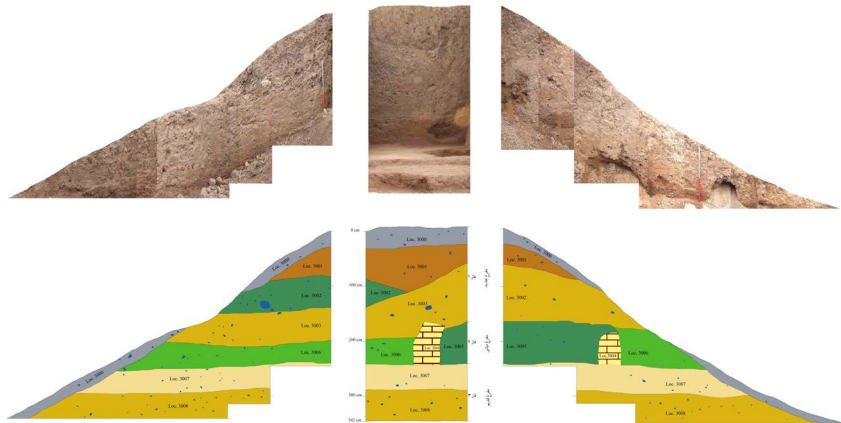
را پُر می‌کند. دیوار در جهت شمال شرقی-جنوب غربی امتداد یافته است. آنچه که در گمانه‌ی W.275a قابل مشاهده بود، دیواری با پهنای حدود ۲۵۰ سانتی متر است. البته به نظر می‌رسد، اگر کاوش‌های گمانه به سمت شرق ادامه می‌یافت، بی‌شک پهنای دیوار از این بیشتر می‌شد. با توجه به موقعیت قرارگیری این دیوار عریض، به نظر می‌رسد، بقایایی از دیوار بیرونی یک دژ بوده باشد. مواد فرهنگی در این لوکوس، علاوه بر دیوار خشتی، سفال‌های ساده و منقوش است که تعدادی از آن‌ها مربوط به دوره‌ی گودین III است. در عمق ۲۵۵- سانتی متری از سطح گمانه و درست در زیر دیوار خشتی، لوکوس ۲۰۰۶ تشخیص داده شد. این لوکوس به جهت خاک قهوه‌ای تیره و بافت سست شناسایی شد. سفال‌هایی متفاوتی از ادوار مس و سنگ و گودین III از لوکوس ۲۰۰۶ به دست آمد. از ارتفاع ۲۷۳- تا ۳۶۱- سانتی متری مربوط به لوکوس ۲۰۰۷ است. خاک این لوکوس به رنگ قهوه‌ای روشن و دارای بافتی سفت است. یک سنجاق مفرغی از این لوکوس به دست آمد؛ علاوه بر این، حدود ۵۵ قطعه سفال از این لوکوس به دست آمد که عمدتاً مربوط به دوره‌ی گودین III هستند. در ارتفاع ۲۸۳- سانتی متری بقایای سنگ چین یک گور شناسایی گردید و لوکوس ۲۰۰۸ برای این گور در نظر گرفته شد. گور مذکور توسط حفاران غیرمجاز پیش از این باز شده و از حالت اولیه خود خارج شده بود؛ با این وجود، بخش‌هایی از گور از تیررس آنان دور مانده بود که مقداری از اشیاء داخل گور توسط هیأت، کاوش شد. با توجه به اشیاء سفالی و مفرغی، دوره‌ی گودین III:2 برای این گور تشخیص داده شد. از عمق ۳۸۰- تا ۴۱۰- سانتی متری از سطح گمانه مربوط به لوکوس ۲۰۰۹ است؛ خاک این لوکوس کمی سفت‌تر از لوکوس بالاتر است. ابزارهای سنگی و قطعات سفال لبه‌وار یخته مربوط به دوره‌ی گودین V در این لوکوس به تعداد زیادی به دست آمد (شکل ۵).



شکل ۵. طرح و عکس گمانه‌ی W.275a (نگارندگان، ۱۳۹۷).

گمانه‌ی W.275b در ارتفاع عمودی ۴۴۵- سانتی متری از مرتفع‌ترین سطح گمانه‌ی W.275a قرار دارد. سطحی‌ترین لوکوس در گمانه‌ی W.275b لوکوس ۳۰۰۰ در نظر گرفته شد. عمیق‌ترین نقطه‌ی این لوکوس در ارتفاع ۲۸- سانتی متری از مرتفع‌ترین سطح گمانه قرار دارد. مهم‌ترین ویژگی‌های این لوکوس وجود ریشه‌های گیاهی، مواد فرهنگی گوناگون و عدم برجا بودن آن است. در ارتفاع ۲۸- سانتی متری لوکوس ۳۰۰۱ تشخیص داده شد. خاک این لوکوس به رنگ قهوه‌ای و نسبت به لوکوس بالاتر، قدری استحکام خاک بیشتر است. اشیاء سفالی این لوکوس غالباً مربوط به دوره‌ی گودین III هستند. از

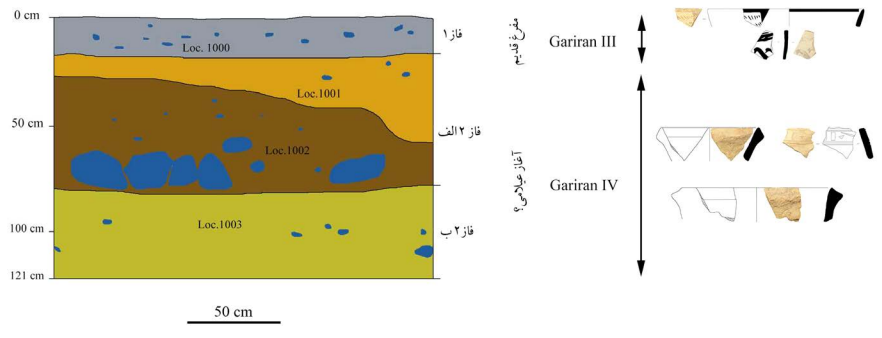
ارتفاع ۸۷- تا ارتفاع ۱۴۰- سانتی‌متری مربوط به لوکوس ۳۰۰۲ است. بافت خاک سفت‌تر و دارای قلوه‌سنگ‌های بزرگ و کوچک است. رنگ خاک این لوکوس قهوه‌ای و نسبت به لوکوس بالاتر تیره‌تر است. در این لوکوس تعدادی ابزارسنگی و ریزتیغه‌های کوچک‌تر از ۱ سانتی‌متر به دست آمد. مانند لوکوس ۳۰۰۱، سفال‌های این لوکوس نیز بیشتر مربوط به دوره‌ی گودین III است؛ با وجود این، قطعات سفالی از ادوار دیگر، از جمله دوره‌ی اوروک نیز دیده شد. از ارتفاع ۵۳- سانتی‌متری تا عمق ۱۹۶- سانتی‌متری لوکوس ۳۰۰۳ تشخیص داده شد. خاک این لوکوس به رنگ قهوه‌ای روشن و دارای بافتی سست است. مقادیر کمی مواد فرهنگی، از جمله یک قطعه‌ی شیء مفرغی که به نظر نوعی شیء برنده است، از این لوکوس به دست آمد. درست در میان لوکوس ۳۰۰۳ و پایین‌تر، آثار دیواری چینه‌ای در ارتفاع ۱۵۵- دیده شد. به سبب ادامه‌ی این دیوار رو به پایین و عدم تعلق آن به لوکوس ۳۰۰۳ به این دیوار، شماره‌ی ۳۰۰۴ داده شد. دیوار در بالا باریک‌تر و در پایین عریض‌تر است. شکل گردش دیوار به صورت هلالی است. در میان بافت دیوار بقایای خرده‌سفال‌هایی از ادوار پیش از عصر مفرغ و مفرغ دیده شد. این دیوار تا عمق ۲۴۶- سانتی‌متری ادامه می‌یابد. فضای داخلی دیوار لوکوس ۳۰۰۴ به سبب نوع خاک و بقایای فرهنگی، شماره‌ی لوکوس ۳۰۰۵ گرفت. خاک این لوکوس سست و نرم است. رنگ خاک این لوکوس به صورت قهوه‌ای تیره است. بقایای سفالی غالباً مربوط به دوره‌ی گودین III است. در این لوکوس، یک شیء مفرغی که کاربرد آن قابل تشخیص نیست، شناسایی شد؛ علاوه بر این، یک انگشتر مفرغی در میان بافت این لوکوس به دست آمد (شکل ۶).



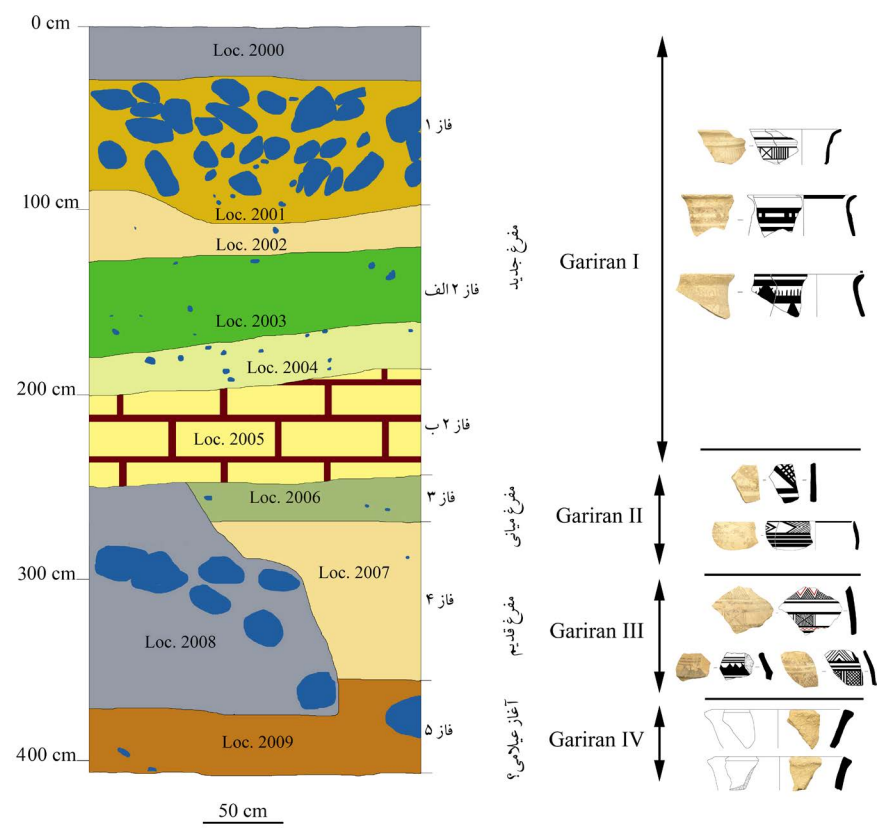
► شکل ۶. طرح و عکس گمانه‌ی W.275b (نگارندگان، ۱۳۹۷).

به فضای بیرونی دیوار لوکوس ۳۰۰۴ نیز شماره‌ی لوکوس ۳۰۰۶ داده شد و مجزا از سایر لوکوس‌ها در نظر گرفته شد. ارتفاع ۱۹۶- سانتی‌متری مرتفع‌ترین سطح این لوکوس است. خاک نسبت به لوکوس‌های هم‌جوار قدری سفت‌تر و دارای رنگ روشن‌تری است. انواعی از سفال‌های مربوط به دوره‌ی گودین III و اوروک از این لوکوس به دست آمد. در این لوکوس انواعی از سفال دورنگ عصر مفرغ به دست آمد. این لوکوس در ارتفاع ۲۴۶- سانتی‌متری خاتمه می‌یابد. در میان بافت این لوکوس، بقایای مجموعه‌ی انسانی و استخوان ترقوه به دست آمد. از ارتفاع ۲۴۶- سانتی‌متری تا ارتفاع ۲۸۵- سانتی‌متری آثار لوکوس ۳۰۰۷ شناسایی شد. خاک این لوکوس به رنگ قهوه‌ای تیره بوده و دارای بافتی سست است. ساختار بافت این لوکوس برجا به نظر می‌رسد. سفال منقوش گودین

III و قطعاتی از استخوان‌های انسانی از ویژه‌ترین یافته‌های این لوکوس است. از ارتفاع ۲۸۵ - سانتی‌متری تا ارتفاع ۳۴۲ - سانتی‌متری لوکوس ۳۰۰۸ نام گرفت. در این لوکوس ۲۱ قطعه سفال منقوش و ساده به دست آمد که عمدتاً مربوط به دوره‌ی گودین III هستند (شکل‌های ۷ تا ۹).



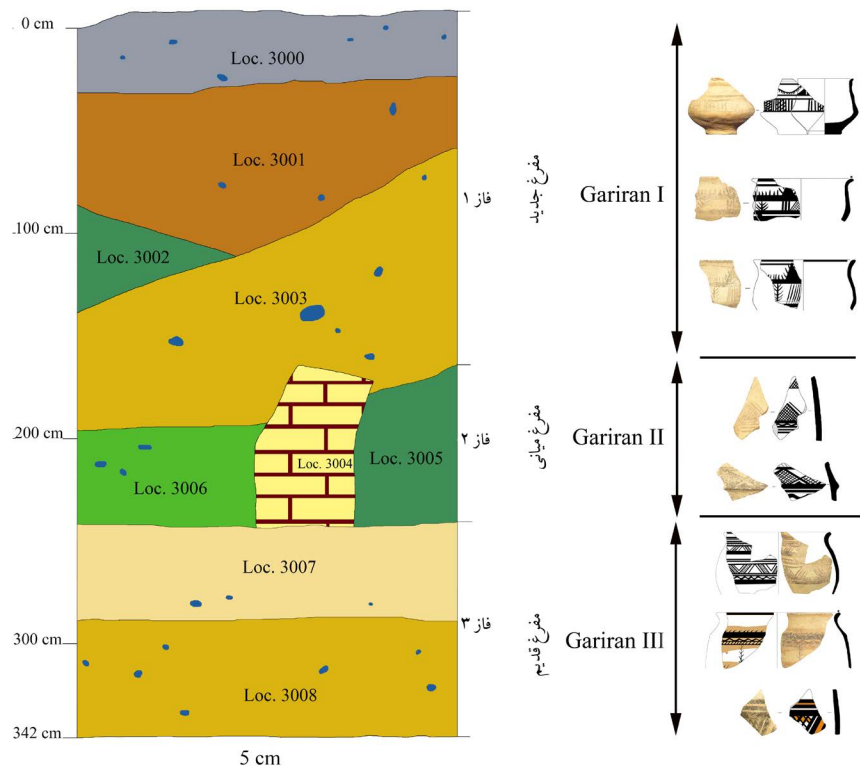
شکل ۷. طرحی از برش (مقطع) گمانه W.260 (نگارندگان، ۱۳۹۷).



شکل ۸. طرحی از برش (مقطع) گمانه‌ی W.275a (نگارندگان، ۱۳۹۷).

یافته‌های مفرغ قدیم تپه گریران

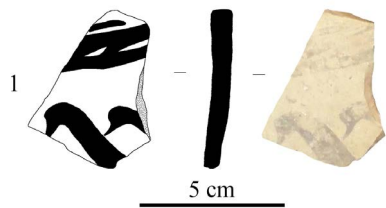
یافته‌های مربوط به دوره‌ی مفرغ قدیم در تپه گریران بیش از هر چیزی بر یافته‌های سفالی متکی است. این یافته‌ها شامل ۴۴ نمونه سفال از لوکوس‌های ۱۰۰۰، ۲۰۰۷، ۳۰۰۷ و ۳۰۰۸ است. پس مطالعات صورت گرفته بر روی مواد گردآوری شده از گمانه‌ی W.260، در لوکوس ۱۰۰۰ گمانه‌ی W.260 دو نمونه سفال قابل مقایسه با سفال فاز III:6 گودین شناسایی شد (جدول ۱، شکل ۱۰).



► شکل ۹. طرحی از برش (مقطع) گمانه‌ی W.275b (نگارندگان، ۱۳۹۷).

► جدول ۱. توصیف و گونه‌شناسی سفال لوکوس ۱۰۰۰ گمانه‌ی W.260 (نگارندگان، ۱۳۹۷).

شماره نمونه	توصیف سفال		نمونه‌ی مشابه	
	دوره	ارجاع	دوره	ارجاع
۱	بدنه، 9mm ضخامت، ظریف، چرخ‌ساز، پخت کافی، شاموت کانی، رنگ درون نخودی، رنگ خمیره نخودی، رنگ بیرون نخودی، پوشش بیرون گلی رقیق، منقوش رنگی	اوایل هزاره‌ی سوم	Haerinck, 2011: 93	گودین III:6 Henrickson, 1984: 528



▲ شکل ۱۰. سفال لوکوس ۱۰۰۰ تپه‌گیران مربوط به فاز III:6 گودین (نگارندگان، ۱۳۹۷).

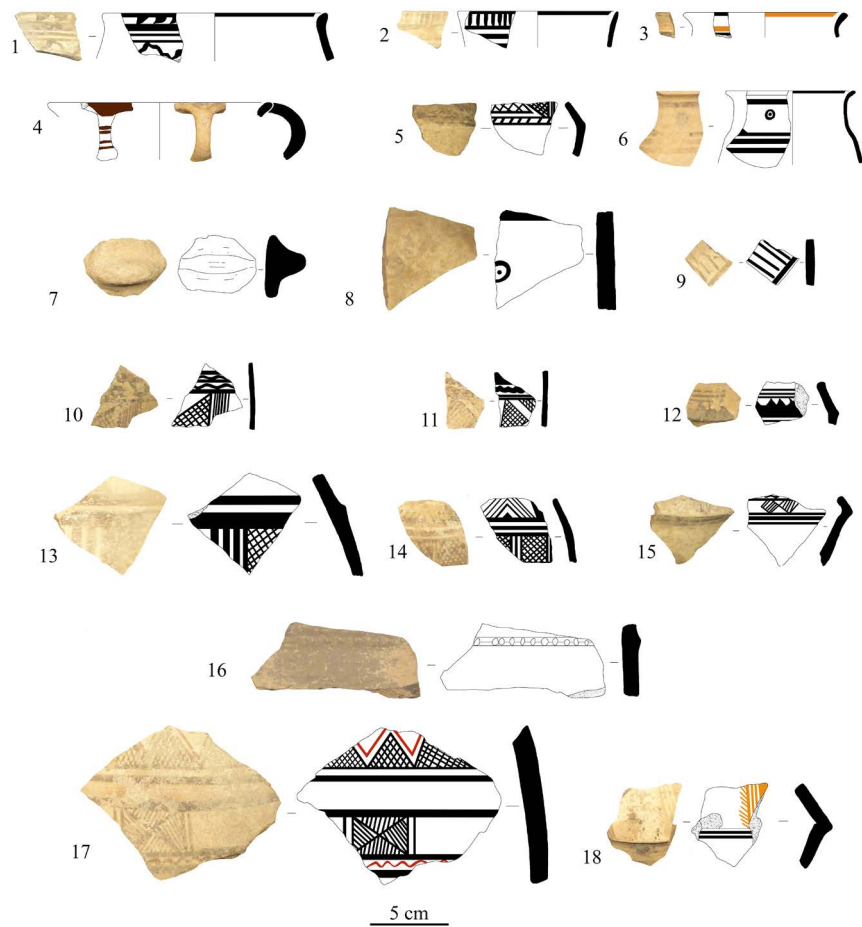
در لوکوس ۲۰۰۷ گمانه W.275a تعداد ۱۹ نمونه سفال در اینجا مورد بررسی قرار گرفته‌اند. این نمونه‌های سفالی عمدتاً مربوط به فازهای III:6 و III:5 گودین هستند. ۳ نمونه نیز با سفال دو رنگ منطقه پشت‌کوه قابل مقایسه‌اند (جدول ۲ و شکل ۱۱).
 لوکوس ۳۰۰۷ گمانه W.275b دارای ۱۰ نمونه سفال مربوط به فاز III:6 گودین و ۱ نمونه مربوط به فاز III:5 گودین است. در این لوکوس ۵ نمونه سفال مشابه سفال منطقه پشت‌کوه در مفرغ قدیم نیز دیده شده است (جدول ۳ و شکل ۱۲).
 ۷ نمونه سفال لوکوس ۳۰۰۸ در گمانه W.275b شامل انواعی از سفال فاز III:6 گودین و سفال دو رنگ مفرغ قدیم در پشت‌کوه است (جدول ۴ و شکل ۱۳).

بحث و تحلیل

پس از مطالعات صورت‌گرفته بر روی گمانه‌های کاوش‌شده در تپه‌گیران و یافته‌های گردآوری شده از ۳ گمانه‌ی W.260، W.275a و W.275b مشخص شد که تداوم فرهنگی از دوره‌ی گودین ۷ تا عصر مفرغ در تپه‌گیران وجود دارد. به عبارت دیگر، در هیچ‌یک از ۳ گمانه‌ی نام‌برده هیچ وقفه‌ی فرهنگی از دوره‌ی گودین ۷ (اواخر هزاره‌ی چهارم قبل از میلاد) تا عصر مفرغ مشاهده نشد. کاوش لایه‌نگاری‌گیران نشان داد

جدول ۲. توصیف و گونه‌شناسی سفال لوکوس ۲۰۰۷ در گمانه‌ی W.275a (نگارندگان، ۱۳۹۷).

شماره	توصیف سفال	نمونه‌ی مشابه		نمونه‌ی مشابه در گودین	
		ارجاع	دوره	ارجاع	دوره
۱	لبه، 6mm ضخامت، ظریف، چرخ‌ساز، پخت کافی، شاموت کانی، رنگ درون نخودی، رنگ خمیره نخودی، رنگ بیرون نخودی، منقوش رنگی	Oates, 1986:263	سلسله‌های نخستین	Henrickson, 1984:433 and 436	گودین III:6
۲	لبه، 3mm ضخامت، ظریف، چرخ‌ساز، پخت کافی، شاموت کانی، رنگ درون نخودی، رنگ خمیره نخودی، رنگ بیرون نخودی، پوشش بیرون گلی رقیق، منقوش رنگی	Hearinck, 2011:95-97	نیمه‌ی اول تا اواسط هزاره‌ی سوم	Henrickson, 1984:433	گودین III:6
۳	لبه، 3mm ضخامت، ظریف، چرخ‌ساز، پخت کافی، شاموت کانی، رنگ درون نخودی، رنگ خمیره نخودی، رنگ بیرون نخودی، پوشش بیرون گلی رقیق، منقوش رنگی	Hearinck, 2011:98	نیمه‌ی اول هزاره‌ی سوم	-	-
۴	دسته، 7mm ضخامت، ظریف، دست‌ساز، پخت کافی، شاموت کانی، رنگ درون قرمز، رنگ خمیره آجری، رنگ بیرون قرمز، پوشش بیرون گلی رقیق، منقوش رنگی	-	-	Henrickson, 1984:439 and 535	گودین III:6 و III:5
۵	بدنه، 6mm ضخامت، ظریف، دست‌ساز، پخت کافی، شاموت کانی، رنگ درون نخودی، رنگ خمیره نخودی، رنگ بیرون نخودی، پوشش بیرون گلی رقیق، منقوش رنگی	Gibson, 1981:Pl.86 and Hearinck, 2011:99 & 104	نیمه‌ی اول هزاره‌ی سوم	Henrickson, 1984:580 and 586	گودین III:5
۶	لبه، 3mm ضخامت، ظریف، چرخ‌ساز، پخت کافی، شاموت کانی، رنگ درون آجری، رنگ خمیره آجری، رنگ بیرون نخودی، پوشش بیرون نخودی، منقوش رنگی	Stein, 1984:37	اواخر هزاره‌ی سوم	Henrickson, 1984:433	گودین III:6
۷	دسته، 8mm ضخامت، خشن، دست‌ساز، پخت ناکافی، شاموت کانی، رنگ درون آجری، رنگ خمیره خاکستری، رنگ بیرون آجری	Curvers & Schwartz, 1990:17	نیمه‌ی اول هزاره‌ی سوم	Henrickson, 1984:493	گودین III:6
۸	بدنه، 12mm ضخامت، کیفیت متوسط، دست‌ساز، پخت کافی، شاموت کانی، رنگ درون نخودی، رنگ خمیره نخودی، رنگ بیرون نخودی، پوشش بیرون گلی رقیق، منقوش رنگی	Stein, 1984:37	اواخر هزاره‌ی سوم	Henrickson, 1984:433	گودین III:6
۹	بدنه، 7mm ضخامت، ظریف، چرخ‌ساز، پخت کافی، شاموت کانی، رنگ درون نخودی، رنگ خمیره نخودی، رنگ بیرون نخودی، پوشش بیرون گلی رقیق، منقوش رنگی	Burney, 1983:207	اواخر هزاره‌ی سوم	Henrickson, 1984:537	گودین III:5
۱۰	بدنه، 3mm ضخامت، ظریف، دست‌ساز، پخت کافی، شاموت کانی، رنگ درون نخودی، رنگ خمیره نخودی، رنگ بیرون نخودی، پوشش بیرون گلی رقیق، منقوش رنگی	Gibson, 1981:Pl.86 and Hearinck, 2011:99 & 104	نیمه‌ی اول هزاره‌ی سوم	Henrickson, 1984:580 and 586	گودین III:5
۱۱	بدنه، 3mm ضخامت، ظریف، دست‌ساز، پخت کافی، شاموت کانی، رنگ درون نخودی، رنگ خمیره نخودی، رنگ بیرون نخودی، پوشش بیرون گلی رقیق، منقوش رنگی	Gibson, 1981:Pl.86 and Hearinck, 2011:99 & 104	نیمه‌ی اول هزاره‌ی سوم	Henrickson, 1984:580 and 586	گودین III:5
۱۲	بدنه، 7mm ضخامت، کیفیت متوسط، چرخ‌ساز، پخت کافی، شاموت کانی، رنگ درون آجری، رنگ خمیره آجری، رنگ بیرون آجری، پوشش بیرون گلی رقیق، منقوش رنگی	Killick, 1986:237 Hearinck, 2011:96	اواخر هزاره‌ی چهارم و اوایل هزاره‌ی سوم	Henrickson, 1984:433	گودین III:6
۱۳	بدنه، 8mm ضخامت، کیفیت متوسط، چرخ‌ساز، پخت کافی، شاموت کانی، رنگ درون نخودی، رنگ خمیره نخودی، رنگ بیرون نخودی، منقوش رنگی	Gibson, 1981:Pl.86-91 and Hearinck, 2011:99 & 104	نیمه‌ی اول هزاره‌ی سوم	Henrickson, 1984:580 and 586	گودین III:5
۱۴	بدنه، 6mm ضخامت، ظریف، چرخ‌ساز، پخت کافی، شاموت کانی، رنگ درون نخودی، رنگ خمیره نخودی، رنگ بیرون نخودی، پوشش بیرون گلی رقیق، منقوش رنگی	Gibson, 1981:Pl.86-91 and Hearinck, 2011:99 & 104	نیمه‌ی اول هزاره‌ی سوم	Henrickson, 1984:537	گودین III:5
۱۵	بدنه، 8mm ضخامت، کیفیت متوسط، چرخ‌ساز، پخت کافی، شاموت کانی، رنگ درون نخودی، رنگ خمیره آجری، رنگ بیرون نخودی، پوشش بیرون گلی رقیق، منقوش رنگی	Burney, 1983:207	اواخر هزاره‌ی سوم	Henrickson, 1984:580	گودین III:5
۱۶	بدنه، 10mm ضخامت، کیفیت متوسط، دست‌ساز، پخت کافی، شاموت کانی، رنگ درون خاکستری، رنگ خمیره خاکستری، رنگ بیرون خاکستری، پوشش بیرون گلی رقیق، پرداخت بیرون صیقلی، تزئین نقش افزودن	Gibson, 1981:Pl.89	سلسله‌های نخستین	Henrickson, 1984:475 and 477	گودین III:6
۱۷	بدنه، 14mm ضخامت، کیفیت متوسط، دست‌ساز، پخت کافی، شاموت کانی، رنگ درون آجری، رنگ خمیره قهوه‌ای، رنگ بیرون نخودی، پوشش بیرون گلی رقیق، منقوش دو رنگ	Hearinck, 2011:91	نیمه‌ی اول هزاره‌ی سوم	-	-
۱۸	بدنه، 9mm ضخامت، کیفیت متوسط، چرخ‌ساز، پخت کافی، شاموت کانی، رنگ درون نخودی، رنگ خمیره نارنجی، رنگ بیرون نخودی، پوشش بیرون گلی رقیق، پوشش بیرون گلی غلیظ، منقوش دو رنگ	Hearinck, 2011:89 and 93	نیمه‌ی اول هزاره‌ی سوم	-	-



► شکل ۱۱. سفال لوکوس ۲۰۰۷ تپه گریران مربوط به فازهای 6: III و 5: III گودین (نگارندگان، ۱۳۹۷).

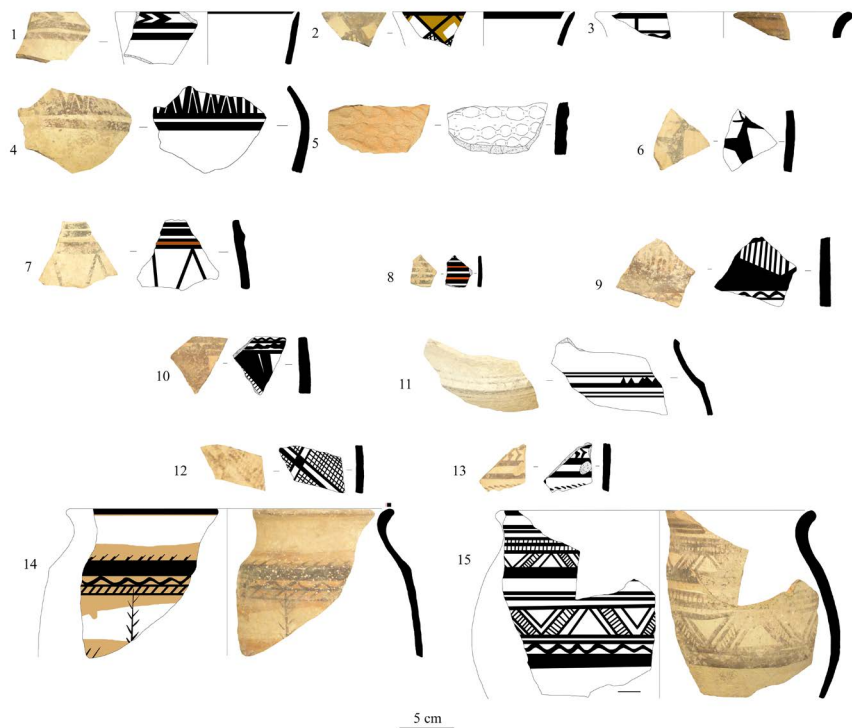
که دوره‌ی گودین III بلافاصله پس از دوره‌ی گودین V در این تپه‌ی باستانی ادامه یافته است. اما آن‌چه که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفت، یافته‌های سفالی مربوط به لوکوس‌های ۱۰۰۰ در گمانه‌ی W.260، ۲۰۰۷ در گمانه‌ی W.275a و ۳۰۰۷ و ۳۰۰۸ در گمانه‌ی W.275b است که عمدتاً مشابه به فازهای 6: III و 5: III گودین هستند. نکته‌ی مهم در رابطه با لوکوس‌های نام‌برده این است که تعدادی سفال از نوع دو رنگ مفرغ قدیم (اوایل هزاره‌ی سوم قبل از میلاد) منطقه‌ی پشتکوه نیز به همراه سفال‌های فازهای 6: III و 5: III گودین به دست آمد؛ بنابراین، دو عامل مهم در رابطه با گاه‌نگاری تپه گریران در دوره‌ی مفرغ قدیم، شامل عدم مشاهده خلأ فرهنگی پس دوره‌ی گودین V و همچنین همجواری مواد فرهنگی گودین 6: III و 5: III با انواع سفال دو رنگ مفرغ قدیم در این تپه است. نکته‌ی دیگر، در رابطه با گاه‌نگاری تپه گریران، عدم مشاهده سفال دوره‌ی گودین IV در میان بافت لوکوس‌های نام‌برده است. تنها یک نمونه سفال گودین IV در لوکوس ۱۰۰۳ گمانه‌ی W.260 مشاهده شد که در بافت دوره‌ی گودین V قرار دارد.

از سویی دیگر، سفال‌های دوره‌ی گودین 6: III و 5: III در تپه گریران تشابهات گونه‌شناختی زیادی را با انواع سفال‌های منقوش تک بین‌النهرین در دوره‌ی جم‌ت نصر (Wilson, 1986: 83-85) و در اوایل هزاره‌ی سوم قبل از میلاد در تل خفاجه، تل اسمرو

تل گوبا در منطقه‌ی حمیرین (Moon, 1986: 117) نشان می‌دهد. در منطقه‌ی پشتکوه نیز سفال‌های منقوش تک‌رنگ و دو رنگ نیمه‌ی اول هزاره‌ی سوم قبل‌ازمیلاد با سفال‌های تپه‌گیران تشابه گونه‌شناختی نشان می‌دهد (Haerincq, 2011; Haerincq & Overlaet, 2004).

جدول ۳. توصیف و گونه‌شناسی سفال لوکوس ۳۰۰۷ در گمانه‌ی W.275b (نگارندگان، ۱۳۹۷). ▼

شماره نمونه	توصیف سفال		نمونه‌ی مشابه	
	دوره	ارجاع	دوره	ارجاع
۱				
۲				
۳				
۴				
۵				
۶				
۷				
۸				
۹				
۱۰				
۱۱				
۱۲				
۱۳				
۱۴				
۱۵				



► شکل ۱۲. سفال لوکوس ۳۰۰۷ تپه گریران مربوط به فازهای III:6 و III:5 گودین (نگارندگان، ۱۳۹۷).

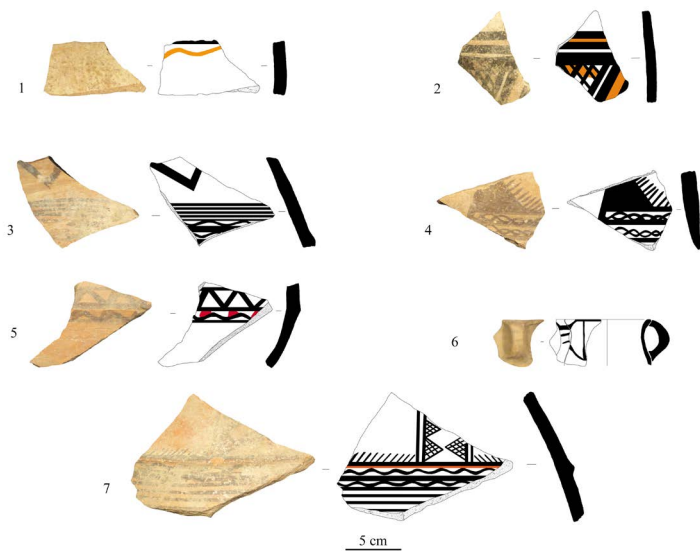
جالب است که در منطقه‌ی پشتکوه سفال‌های چندرنگ (پلی کروم) و نوع گودین III در گور شماره‌ی ۱ گورستان درتنها (Haerinck, 2011: 99-100)، در گورستان میرخیبر (Haerinck, 2011: 98)، در گورستان بنی سورمه در گور A13 و B7 (Haerinck & Overlaet, 2006: Pl.29 and Pl.53) با هم دیده شده‌اند. هرینک و اورلات این گورها را مربوط به حدود ۲۸۰۰ تا ۲۷۰۰ ق. م. دانسته‌اند. علاوه بر این، سفال‌های گودین III:6 و III:5 در تپه گیان در گور ۱۱ در طبقه‌ی IV همراه با سفال منقوش تک‌رنگ منقوش بین‌النهرین و شوش در نیمه‌ی اول هزاره‌ی سوم قبل از میلاد دیده شده‌اند (Contenau & Ghirshman, 1935: Pl.31)؛ بنابراین، علاوه بر تپه گریران که سفال منقوش دورنگ و تک‌رنگ اوایل هزاره‌ی سوم قبل از میلاد با سفال تک‌رنگ گودین III دیده شده، در نواحی همجوار نیز این انواع سفال با هم دیده شده‌اند.

نتیجه‌گیری

با توجه به مطالب گفته شده، به نظر می‌رسد، در تپه گریران پس از دوره‌ی گودین V (حدود ۲۹۰۰ قبل از میلاد) انواعی از سفال مربوط به دوره‌ی گودین III:6 و III:5 و همچنین سفال دورنگ منطقه‌ی پشتکوه رواج داشته است. این نکته بدان معناست که دوره‌ی گودین III حدود ۳۰۰ سال پیش از آن چه که کاوشگران تپه گودین تصور نموده‌اند، آغاز شده است. به تعبیری دیگر، به نظر می‌رسد در اوایل هزاره‌ی سوم قبل از میلاد انواعی از سفال منقوش خوش ساخت در ناحیه‌ی لرستان رواج داشته است. مطالعات صورت گرفته در این پژوهش نشان داد که علاوه بر تپه گریران که سفال منقوش دورنگ و تک‌رنگ اوایل هزاره‌ی سوم قبل از میلاد با سفال تک‌رنگ گودین III دیده شده، در نواحی همجوار در زاگرس مرکزی نیز این انواع سفال با هم دیده شده‌اند (جدول ۵).

جدول ۴ توصیف و گونه‌شناسی سفال لوکوس ۳۰۰۸ در گمانه‌ی W.275b (نگارندگان، ۱۳۹۷).

ردیف	توصیف سفال	نمونه‌ی مشابه		نمونه‌ی مشابه در گودین	
		دوره	ارجاع	دوره	ارجاع
۱	بدنه، 10mm ضخامت، کیفیت متوسط، دست‌ساز، پخت کافی، شاموت کانی، رنگ درون آجری، رنگ خمیره آجری، رنگ بیرون نخودی، پوشش بیرون گلی رقیق، منقوش دو رنگ	نیمه‌ی اول هزاره‌ی سوم	Hearinck, 2011:98	-	-
۲	بدنه، 8mm ضخامت، کیفیت متوسط، دست‌ساز، پخت کافی، شاموت کانی، رنگ درون نخودی، رنگ خمیره نخودی، رنگ بیرون نخودی، پوشش بیرون گلی رقیق، منقوش دو رنگ	نیمه‌ی اول هزاره‌ی سوم	Hearinck, 2011:98	-	-
۳	بدنه، 9mm ضخامت، کیفیت متوسط، دست‌ساز، پخت کافی، شاموت کانی، رنگ درون قرمز، رنگ خمیره قرمز، رنگ بیرون قهوه‌ای، پوشش بیرون گلی رقیق، منقوش رنگی	اواخر هزاره‌ی سوم	Burney, 1983:283	گودین III:6	Henrickson, 1984:433-483
۴	بدنه، 9mm ضخامت، کیفیت متوسط، دست‌ساز، پخت کافی، شاموت کانی، رنگ درون نخودی، رنگ خمیره آجری، رنگ بیرون نخودی، پوشش بیرون گلی رقیق، منقوش رنگی	نیمه‌ی اول هزاره‌ی سوم	Hearinck, 2011:94	گودین III:6	Henrickson, 1984:436-442
۵	بدنه، 9mm ضخامت، کیفیت متوسط، دست‌ساز، پخت کافی، شاموت کانی، رنگ درون آجری، رنگ خمیره آجری، رنگ بیرون آجری، پوشش بیرون گلی رقیق، منقوش دو رنگ	نیمه‌ی اول هزاره‌ی سوم	Hearinck, 2011:98	-	-
۶	لبه-دسته، 5mm ضخامت، ظریف، چرخ‌ساز، پخت کافی، شاموت کانی، رنگ درون نخودی، رنگ خمیره نخودی، رنگ بیرون نخودی، منقوش رنگی	-	-	گودین III:6 و III:5	Henrickson, 1984:439 and 535
۷	بدنه، 10mm ضخامت، کیفیت متوسط، دست‌ساز، پخت کافی، شاموت کانی، رنگ درون قرمز، رنگ خمیره قرمز، رنگ بیرون قرمز، پوشش بیرون گلی رقیق، منقوش دو رنگ	نیمه‌ی اول هزاره‌ی سوم	Hearinck, 2011:98	-	-



شکل ۱۳. سفال لوکوس ۳۰۰۸ تپه گریبان مربوط به فازهای III:6 و III:5 گودین (نگارندگان، ۱۳۹۷).

جدول ۵. گاه‌نگاری مقایسه‌ای تپه گریبان و تپه گودین (نگارندگان، ۱۳۹۷).

دوره	طبقات تپه گریبان	طبقات تپه گودین
مفرغ جدید	I	III
مفرغ میانی	II	III
مفرغ قدیم	III	IV
آغاز عیلامی	IV	V

کتابنامه

- ایزدپناه، حمید، ۱۳۷۶، تاریخ جغرافیایی و اجتماعی لرستان (مقدمه‌ای بر آثار باستانی و تاریخی لرستان). جلد اول، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- باباپیری، جواد، ۱۳۸۴، «گزارش توصیفی نهایی لایه‌نگاری تپه پری (روستای پری)». بایگانی اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان همدان (منتشر نشده).
- بدیعی، ربیع، ۱۳۶۲، جغرافیای مفصل ایران. جلد اول، بی‌جا: نشر اقبال.
- بلمکی، بهزاد، ۱۳۹۲، «نگاهی به تحولات فرهنگی دشت نهاوند و معرفی محوطه‌های شاخص آن در دوران مس‌سنگی». مجموعه مقالات همایش یک‌روزه نهاوند، نهاوند: اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، صص: ۹۱-۱۱۰.
- پازوکی، ناصر؛ و شادمهر، عبدالکریم، ۱۳۸۴، آثار ثبت شده ایران در فهرست آثار ملی. تهران: سازمان میراث فرهنگی و گردشگری کشور.
- پرویز، احمد، ۱۳۸۵، «بررسی و شناسایی شهرستان بروجرد». اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان لرستان (منتشر نشده).
- حیدری، مهدی؛ بیک محمدی، خلیل‌الله؛ ولدبیگی، ثروت؛ و حسینی‌نیا، سید مهدی، ۱۳۹۴، «نگرشی به رویکردهای گاه‌نگاری عصر مفرغ دشت الشتر مبتنی بر گونه‌شناسی سفال‌های عصر مفرغ تپه گریران». مجله پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، شماره ۸، صص: ۲۱-۳۸.
- خاکسار، علی، ۱۳۸۵، «گزارش نهایی کاوش‌های لایه‌نگاری تپه باستانی گوراب (ملایر)». بایگانی اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان همدان (منتشر نشده).
- خاکسار، علی؛ همتی‌ازندریانی، اسماعیل؛ و نوروزی، آصف، ۱۳۹۳، «بررسی فرهنگ یانیق در زاگرس مرکزی براساس کاوش لایه‌نگاری در تپه گوراب ملایر». مجله پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، شماره ۷، دوره‌ی چهارم، صص: ۴۷-۶۳.
- داوودی، داوود، ۱۳۸۵، «بررسی، شناسایی و مستندسازی آثار باستانی شهرستان الشتر (دهستان‌های فیروزآباد، یوسفوند و قلعه مظفری)». اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان لرستان (منتشر نشده).
- داوودی، داوود، ۱۳۸۶، «بررسی، شناسایی و مستندسازی آثار باستانی شهرستان الشتر (دهستان دوآب)». اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان لرستان (منتشر نشده).
- سجادی، علی، ۱۳۷۶، «بررسی و شناسایی آثار فرهنگی تاریخی شهرستان الشتر (فصل اول)». اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان لرستان (منتشر نشده).
- سراقی، نعمت‌الله، ۱۳۸۴، «گزارش فصل فصل دوم بررسی و شناسایی باستان‌شناسی شهرستان نهاوند». اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان همدان (منتشر نشده).

- سراقی، نعمت‌الله، ۱۳۸۹، «گزارش مقدماتی بررسی باستان‌شناختی شهرستان نهاوند». مجله‌ی فرهنگیان، شماره‌ی ۳۷، بهار و تابستان، صص: ۲۵-۸.
- سعیدی هرسینی، محمدرضا؛ و چایچی امیرخیز، احمد، ۱۳۸۴، «گزارش مقدماتی بررسی استقرارهای عصر مس و سنگ و مفرغ دشت نهاوند (حومه سرچشمه رودخانه گاماسیاب)»، بایگانی پژوهشکده‌ی باستان‌شناسی (منتشر نشده).
- سیدسجادی، سیدمنصور؛ و سامانی، نورعلی، ۱۳۷۸، «گزارش یک فصل کاوش در تپه نورآباد لرستان». باستان‌شناسی و هنر ایران، ۳۲ مقاله در بزرگداشت عزت‌الله نگهبان، به کوشش: عباس علیزاده، یوسف مجیدزاده و صادق ملک‌شهمیرزادی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، صص: ۱۳۰-۸۵.
- ساخت، رابرت، ۱۳۸۲، «فرهنگ‌های تاریخی اولیه». در: باستان‌شناسی غرب ایران، گردآورنده: فرانک هول، ترجمه‌ی زهرا باستی، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، صص: ۳۴۰-۴۰۴.
- فرجی، عبدالرضا، ۱۳۶۶، جغرافیای کامل ایران. جلد اول، تهران: نشر ایران.
- کریمی، بهمن، ۱۳۲۹، راه‌های باستانی و پایتخت‌های قدیمی غرب ایران. تهران: چاپ تهران.
- گاراژیان، عمران؛ عادل، جلال؛ و پاپلی‌یزدی، لیلیا، ۱۳۸۴، «الگوی استقرار در دشت خاوه و منطقه میربگ زاگرس مرکزی، براساس بررسی‌های باستان‌شناختی منطقه». مجله‌ی پیام باستان‌شناسی، شماره‌ی ۴، پاییز و زمستان، صص: ۴۸-۲۱.
- مترجم، عباس؛ و الماسی، طیبه، ۱۳۹۲، «بررسی تغییرات فرهنگی دشت کنگاور از دوره مس و سنگ تا پایان عصر مفرغ، براساس مدل‌های استقرار». مجله‌ی پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، شماره‌ی ۵، دوره‌ی سوم، صص: ۵۱-۶۲.
- مترجم، عباس؛ و محمدی‌فر، یعقوب، ۱۳۸۰، «بررسی و شناسایی و مستندنگاری باستان‌شناسی شهرستان کنگاور». بایگانی اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان کرمانشاه (منتشر نشده).
- مترجم، عباس؛ و محمدی‌فر، یعقوب، ۱۳۸۱، «بررسی، شناسایی و مستندسازی آثار باستانی شهرستان هرسین». بایگانی اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان کرمانشاه (منتشر نشده).
- محمدی‌فر، یعقوب، ۱۳۸۲، «گزارش بررسی و شناسایی باستان‌شناسی شهرستان صحنه». بایگانی اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان کرمانشاه (منتشر نشده).
- محمدی‌فر، یعقوب؛ و مترجم، عباس، ۱۳۸۲ الف، گزارش بررسی و شناسایی باستان‌شناسی شهرستان اسدآباد، بایگانی اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان همدان (منتشر نشده).
- محمدی‌فر، یعقوب؛ و مترجم، عباس، ۱۳۸۲ ب، «گزارش فصل اول بررسی و شناسایی شهرستان تویسرکان». بایگانی اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان همدان (منتشر نشده).

- واندنبرگ، لویی، ۱۳۷۹، باستان‌شناسی ایران باستان. ترجمه‌ی عیسی بهنام، چاپ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

- هنریکسون، رابرت، ۱۳۸۲، «گودین III و گاه‌نگاری غرب مرکز ایران در حدود ۲۶۰۰ تا ۱۴۰۰ ق.م.» در: باستان‌شناسی غرب ایران، گردآورنده: فرانک هول، ترجمه‌ی زهرا بایستی، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).

- Algaze, G., 1993, *The Uruk World System: The Dynamics of Expansion of Early Mesopotamian Civilization*. Chicago: The University of Chicago Press.

- Burney, C., 1964, "Excavations at Yanik Tape Azerbaijan 1962 tird preliminary report". *IRAQ XXXVI*, pp. 54-61.

- Burney, C., 1983, *Excavations in Azerbaijan (North-Western Iran), Haftvan, Period VI*. British archaeological reports international series.

- Contenau, J. & Ghirshman, R., 1935, *Fouilles du Tape Giyan pre de Nehavand 1931 – 1932*. Librairie orientaliste paul geuthner, Pars.

- Curvers, H. & Schwartz, G., 1990, "Excavations at Tell al-Raqai: A Small Rural Site of Early Urban Northern Mesopotamia". *American journal of archaeology*, No.94, P.P.3-23.

- Gibson, M. G., 1981, *Uch Tape, Tell Razuk, Tell Ahmed al-Mughir, Tell Ajamat*. Chicago: The university of Chicago.

- Goff Mead, C., 1969, "Excavations at Babajan Tape 1967, second preliminary report". *Iran*, 7, P.P. 130-195.

- Goff Mead, C., 1971, "Luristan before the Iron age". *Iran*, Vol.9, P.P. 131-152.

- Haerinck, E. & Overlaet, B., 2002, "The Chalcolithic and Bronze age in Pusht-i Kuh, Luristan (west – Iran): chronology and Mesopotamian contacts". *Akkadca*, No. 123, pp. 163-81.

- Haerinck, E., 2011, "Painte Pottery of the First Half of the Early Bronze Age (Late 4 – First Centuries of the 3 Millennium BC) in Luristan, W-Iran". *Iranica Antiqua*, Vol. XLVI, P.P. 55-106.

- Haerinck, E. & Overlaet, B., 2004, "The Chronology of the Pusht-I Kuh, Luristan: Results of the Belgian Archaeological Misson in Iran, essays presented to Peder Mortensen". *Aarhus*, Pp. 118-136.

- Haerinck, E. & Overlaet, B., 2006, *Luristan excavation documents*, Vol. VI, Bani Surmah an early Bronze age graveyard in Pusht-I Kuh, Luristan, Acta Iranica.

- Henrickson, R. C., 1984, *Godin Tape, Godin III and central western Iran 2600-1500 B.C.*, doctoral dissertation department of near eastern studies university of Toronto.

- Henrickson, R. C., 1986. "A regional perspective on Godin III cultural development in center western Iran". *Iran*, Vol.22, pp.1-57.

- Henrickson, R. C., 1987a, "Godin III & The Cronology of central western Iran circa 2600-1400 B.C.". In: *The archaeology of western Iran*. Edited by: F. Hole, Washington DC: Smith Sonian institution Press, pp. 205-227.

- Henrickson, R. C., 1987b, "The Godin III Chronology for central

- western Iran 2600-1400 B.C.". *Iranica Antiqua*, Vol.22, pp. 33-117.
- Henrickson, R. C., 2011, "The Godin Period III Town". In: *On the high road the history of Godin Tape, Iran*, Toronto, Ontario: Mazda Publishers.
 - Howell, R., 1979, "Survey of excavations in Iran: Survey of the Malayer plain David Stronach 1978". *Journal of the British institute of Persian Studies, Iran, Journal of Persian studies*, Vol.17, P.P. 143-159.
 - Killick, R. 1986, *The Eski Mosul Region, in Gamdat Nasr Period or Reginal Style 8*, Ed by: Uwe Finkbeiner and Wolfgang Rollig, printed in Germany: Hamburg.
 - Levine, L. D., 1972, "Seh Gabi". *Iran* 10: P.P. 179-80.
 - Levine, L. D., 1974, "Archeological investigations in the Mahidasht, western Iran". *Paleorient* 2: P.P. 487-90.
 - McCown, D. E., 1942, *The comparative stratigraphy of early Iran. Studies in ancient oriental civilization*, No. 23, oriental institute, Chicago: univorcity of Chicago press.
 - Mesoon, R. B. & Cooper, L., 1999, "Grog, petrology, and early transcaucasians at Godin Tape", *British institute of Persian studes*, pp.25-30.
 - Moon, J., 1986, *The Lower Diyala and the Hanrin Basin: Ceramic Relations the Early Third Millenium, in Gamdat Nasr Period or Reginal Style 8*, Ed by: Uwe Finkbeiner and Wolfgang Rollig, printed in Germany: Hamburg.
 - Oates, J., 1986, *Tell Brak: The Uruk/Early Dynastic Sequence, in Gamdat Nasr Period or Reginal Style 8*, Ed by: Uwe Finkbeiner and Wolfgang Rollig, printed in Germany: Hamburg.
 - Rothman, M., 2011, *Migration and Resettlement: Godin Period IV, in on the high road the history of Godin Tape, Iran*. Toronto, Ontario: Mazda Publishers.
 - Rothman, M. & Budler, V., 2011, *Contact and Development in Godin Period VI, in on the high road the history of Godin Tape, Iran*. Toronto, Ontario: Mazda Publishers.
 - Stein, D. L., 1984, "Khabur Ware and Nuzi Ware: Their Origin, Relationship and Significance". *Monographic journals of the Near East*, Vol. 4, No.1, P.P. 1-65.
 - Wilson, K. 1986, *Nippur: The Definition of a Mesopotamian Gamdat Nasr Assmblage, in Gamdat Nasr Period or Reginal Style 8*, Ed by: Uwe Finkbeiner and Wolfgang Rollig, printed in Germany: Hamburg.
 - Young, T. C., 1967. "Godin Tepe". *IRAN*, Vol.5, pp. 139-140.
 - Young, T. C., 1969, *Excavations at Godin Tepe: First progress report, occasional paper 17, Art and Archaeology*. Toronto: ROM.
 - Young, T. C., 1975, "An archaeological survey of the Kangavar valley". *proceeding of the 3RD annual symposium on archaeological research in Iran* 3, Pp. 23-30.
 - Young, T. C. & Levine, L., 1974. *Excavation of the Godin project, second progress report occasional papers*. No. 26, art and archaeology Toronto.